



حجة الاسلام سید محمد رضا علاء الدین  
حوزه علمیه اصفهان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

هر نظام تعلیمی و تربیتی یک سلسله اهداف غایی، کلی و آموزشی دارد. در نظام تعلیم و تربیت قرآنی اهداف به صورت غایی، کلی و آموزشی ترسیم گردیده. هدف غایی در این نظام تعلیمی و تربیتی، دستیابی انسان به رشد و کمال معنوی و قرب الی الله است که به عنوان افق و دورنمای کلی تمامی برنامه‌های تعلیمی و تربیتی قرآن کریم به حساب می‌آید. برای نیل به هدف غایی یک سری اهداف کلی وجود دارد که توجه و پردازش به آنها راهکار دستیابی به هدف غایی می‌باشد و آن اهداف کلی عبارتند از:

رشد، کمال، پرورش قوه تعقل و استدلال، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت، ارتقاء کیفی قصد قربت و اصلاح و تهذیب نفس، این مقاله برای تبیین مهم‌ترین اهداف تعلیمی و تربیتی قرآن

کریم از کلام نورانی قرآن‌های ناطق حضرات معصومین علیهم‌السلام بهره برده و به طرح آنها پرداخته است.

## کلید واژه‌ها:

قرآن کریم، هدف غایی تعلیم و تربیت قرآنی، اهداف تربیت قرآنی

## مقدمه

در تعلیم و تربیت هدف را می‌توان (وضع نهایی و مطلوبی به حساب آورد که به‌طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن فعالیت‌های مناسب تعلیمی و تربیتی انجام می‌پذیرد)<sup>۱</sup> اطلاع از اهداف تربیتی می‌تواند در هدایت اقدامات تربیتی، ایجاد انگیزه در متربیان، و تدارک معیاری برای ارزیابی آن اقدامات، سودمند باشد.

البته هدف‌داری، خاص انسان نیست و تمامی پدیده‌های جهان خلقت در مسیر خود هدفی را پیگیری می‌کنند که این هدف از سوی حضرت حق جل و علا به منظور ترقی و رشد و تکامل در نهاد پدیده‌ها قرار داده شده است. انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات خداوند نیز از این هدف‌مندی به‌طور عالی برخوردار است، هدف غایی خلقت انسان، رسیدن به مقام والای خلافت الهی و بندگی خداست و برای رسیدن به این هدف باید مسیر تربیت را طی کند از مهم‌ترین اموری که انسان را در دست‌یابی به این هدف غایی یاری می‌رساند عبارت از (رشد و کمال، پرورش قوه تعقل و استدلال، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت و ارتقاء کیفی قصد قربت و اصلاح و تهذیب نفس است) که آیات و حیانی قرآن کریم به ترسیم این اهداف و حضرات معصومین علیهم‌السلام به تبیین آن پرداخته‌اند.

## قرآن کریم (کتاب تعلیم و تربیت)

قرآن کریم یک گنجینه گران‌بها از اصول جاودانه و همیشگی تعلیم و تربیت است که اهداف تعلیم و تربیت را پیش روی همه عالمیان مطرح و با زیبایی هر چه تمام‌تر همه را دعوت به مسیر تعلیمی و تربیتی خود نموده و اولیاء و انبیاء را مربیان تربیتی نظام تربیتی خود دانسته است.

حضرت امام خمینی (ره) ابعاد تعلیمی و تربیتی این کتاب همیشه حی را این‌گونه ذکر فرموده: «قرآن کتاب انسان‌سازی است و ما را به مقاصد عالی‌ه‌ای که در باطن ذاتمان توجه به او هست و خودمان نمی‌دانیم هدایت می‌کند. قرآن کتاب انسان متحرک است، کتاب آدم است و کتابی است که آدمی که باید از این‌جا تا آخر دنیا و تا آخر مراتب حرکت بکند را راه می‌برد»<sup>۲</sup>

«تمام کتب آسمانی که بر انبیاء نازل شده است، برای این موجودی که اگر سر خود باشد، خطرناک‌ترین موجودات عالم است باید تحت تربیت و تعلیم الهی واقع بشود و بهترین موجودات و افضل تمام خلایق بشود. آن قدر که این انسان، این حیوان دو پا... محتاج به تربیت است هیچ حیوانی محتاج نیست».<sup>۳</sup>

(اساس عالم بر تربیت انسان است و انبیاء و اولیاء برای تربیت انسان آمده‌اند، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که من دیگر احتیاجی ندارم به این‌که تعلیم و تربیت بشوم، رسول خدا هم تا آخر احتیاج داشت، منتها احتیاج او را خدا رفع می‌کرد، ما همه احتیاج داریم.<sup>۴</sup>)

امور تربیتی در رأس مسائل اسلام است، تربیت باید تربیت قرآنی باشد و قرآن غنی‌ترین کتاب‌های عالم است در تعلیم و تربیت، منتهی متخصص لازم دارد<sup>۵</sup> پیغمبر آمده مردم را تزکیه کند، پرورش بدهد، نفوس را مهیا کند و بعد یُعَلِّمَهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ.<sup>۶</sup>

### ❁ هدف غایی تعلیم و تربیت قرآنی

در سلسله مراتب اهداف تعلیمی و تربیتی، هدف غایی به منزله‌ی قُلَّةِ رفیعی است که اگر چه رسیدن به آن با توجه به بُعد مسافت و موانع سر راه بعید به نظر آید اما در عالم خیال قابل تصور است و اگر از قوه تصویری نیرومندی برخوردار باشیم مُشَوِّقِ عمل و اقدام است در مقابل اهداف کلی به منزله منازل است که گذشتن از آنها شرط لازم وصول به مقصد نهایی است در عین حال برای رسیدن به هر یک از این منازل باید برنامه‌ریزی کرد، به تعیین اولویت‌ها، تجهیز امکانات، تهیه وسایل و تدارک زاد و توشه راه پرداخت و بالاخره هدف‌های جزئی (آموزشی) گام‌هایی است که با واقع‌بینی تمام برای قطع هر یک از این منازل برداشته می‌شود.

در مورد اهداف تعلیم، تربیت با توجه به آیات قرآن دسته‌بندی‌های مختلفی مطرح شده است که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

علی شریعت‌مداری در کتاب خود، اهداف تعلیم و تربیت اسلامی را اینچنین برشمرده است:<sup>۷</sup>

- ۱- دست‌یابی به تقوا ۲- تعلیم حکمت ۳- پرورش روح عدالت‌خواهی ۴- تکامل انسان ۵-
- پرستش خداوند ۶- برادری و همکاری ۷- پرورش نیروی تفکر و قدرت عقلانی ۸- پرورش روح اجتماعی

سیدعلی اکبر حسینی در کتاب خود اهداف تربیتی را بدین ترتیب ذکر نموده:<sup>۸</sup>

- ۱- حرکت به سوی کمال ۲- عنایت به مسائل و خدمت به مخلوق ۳- برخورد با جهان طبیعت و

بهره‌برداری از آن.

سیداحمد احمدی در کتابش برای تربیت، هشت هدف را بیان کرده است: ۹-  
۱- پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسان ۲- حرکت و سوق دادن انسان به سوی خدا ۳- آگاه  
کردن انسان از پایگاه خویش در جهان ۴- پرورش قدرت تشخیص از طریق مشاهده، تجربه، تفکر  
و تعلیم ۵- پرورش روح حقیقت جویی ۶- پرورش افرادی مؤمن، متقی و عامل به خوبی‌ها ۷-  
ایجاد روح برادری، برابری، تعاون، احسان و ایثار ۸- پرورش روحیه‌ی تلاش، کوشش و مبارزه‌ی  
با فقر.

بختیار شعبانی در مقاله پژوهشی خود اهداف تربیتی را اینچنین ذکر نموده است:

۱- تقویت روحیه‌ی حقیقت‌جویی ۲- تقویت روحیه‌ی کمال‌جویی و رشد ۳- تقویت قدرت اراده  
و تصمیم‌گیری ۴- تقویت قوه عاقله ۵- تقویت روحیه‌ی اعتقادی و عبادی.<sup>۱۰</sup>  
خسرو باقری در کتاب خود اهداف تربیت را چنین دسته‌بندی نموده است:<sup>۱۱</sup>  
اهداف غایی و اهداف واسطی، اهداف غایی عبارتند از: ۱- هدایت و رشد ۲- طهارت و حیات طیبه  
۳- تقوی ۴- قرب و رضوان الهی ۵- عبادت و عبودیت و پنجمین هدف را براساس آیات نورانی  
قرآن به‌عنوان هدف غایی از خلقت انسان برشمرده است و سایر اهداف غایی مطرح شده را تنها  
شئونی از همین هدف غایی (عبودیت) می‌داند.

نگاهی اجمالی به دسته‌بندی‌های ذکر شده روشن می‌سازد که (هدایت و رشد) به‌عنوان هدف غایی  
فرایند تربیت در همه‌ی آنها به نوعی مورد توجه واقع شده و دیگر اهداف را نیز می‌توان به‌عنوان  
اهداف کلی یا واسطی مورد توجه قرار داد. لازم به ذکر است که رشد و کمال هدفی است که در همه‌ی  
مکاتب تربیتی به گونه‌ای مورد توجه و عنایت بوده است.

با توجه به دسته‌بندی‌های ذکر شده ابتدا هدف غایی تربیت یعنی دست‌یابی به رشد و کمال را مورد  
بحث و بررسی قرار داده و آنگاه به سایر اهداف به صورت مختصر پرداخته شده است.

## ۱-۱- رشد و کمال

از مهم‌ترین و عمده‌ترین اهداف تربیت قرآنی، رسانیدن انسان به مرحله و جایگاهی است که  
شایستگی رسیدن به آن را دارد و حضرت حق، تبارک و تعالی امکان بالقوه رسیدن به این مقام را در  
وجود بندگان خویش قرار داده است. هدایت، راهنمایی، دستگیری و کمال بخشی انسان جریانی  
را تحت عنوان رشد و کمال به صورت همیشگی برای او رقم می‌زند.

واژه رشد در قرآن کریم به معنای هدایت شدن به راه درست و صحیح و آنچه مدنظر خدای متعال بوده آمده است.

اگرچه در برخی موارد نیز معنای رشد عقلی و قوه تمیز خوب از بد اراده شده است. در سوره مبارکه ی کهف آمده است: ﴿رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾<sup>۱۲</sup> بنابراین آیه اصحاب کهف از خداوند طلب لطف خاص خدا و رشد و هدایت کامل نموده اند. آنان از خداوند خواسته اند که شرایط کمال را برای آنان فراهم آورد و خداوند بهترین هدایت کننده و رشد دهنده بندگانش می باشد ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرَشِدًا﴾<sup>۱۳</sup> کلمه رشد در آیه ی ﴿وَلْيَوْمَنُوبِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾<sup>۱۴</sup> به معنای سعادت و دست یابی انسان به آنچه که کمال اوست به کار رفته است و در آیه ی ﴿فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا﴾<sup>۱۵</sup> اسلام به عنوان راه ثواب و رشد دهنده و کمال بخش مؤمنان مطرح گردیده است.

امام رضا علیه السلام فرموده (شرط مسلمان بودن، مراقبت دائمی نفس و رسیدگی به حساب اعمال خویش است به گونه ای که هر انحراف جزئی از مسیر رشد را کشف کرده، قبل از فوت وقت دوباره خویش را به مسیر رشد و کمال بازگرداند و در کلام دیگری حضرتش می فرماید: آن کس که همه روزه به حساب خویش رسیدگی نکند از ما نیست.<sup>۱۶</sup> امام علی علیه السلام فرموده:

هرگز روش رشد و تکامل را نمی شناسید، تا افرادی را که این روش را ترک کرده اند بشناسید.<sup>۱۷</sup> لذا می توان چنین نتیجه گرفت که رشد و کمال، جریانی پویا، مستمر و مداوم است و انسان در هر روز و هر لحظه باید به سیر صعودی و کمالی خویش ادامه بدهد و انجام این مهم با شناخت نقاط قوت و ضعف و تقویت نقاط قوت و جبران از طریق ارزیابی های مکرر میسر می باشد.

## ۲- پرورش قوه تعقل

قرآن کریم همگان را دعوت به تعقل و تفکر و اندیشه ورزی نموده و برنامه های تعلیمی و تربیتی خود را برای احیاء عقل و بیدار نمودن و تحرک آن و فعالیت صحیح آن ارائه نموده است. قرآن کسانی که اهل تعقل و اندیشه ورزی نیستند را به شدت مذمت نموده است. قرآن تأکید و تصریح بر موضوع عقل و به کارگیری آن به عنوان ابزار رشد و معرفت نموده و یکی از اهداف اصلی نظام تربیتی خود را پرورش قوه تعقل و تفکر و استنباط صحیح اعلام داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام (عقل) را موهبتی خدادادی که موجبات رسیدن انسان به کمال و قبولی طاعات و عبادات را فراهم

آورده و انسان را به رشد و سعادت می‌رساند دانسته‌اند و از همگان خواسته‌اند تا با تکیه بر این موهبت الهی جهت رشد و کمال خود حداکثر استفاده را از آن ببرند.

رسول الله ﷺ در مورد اهمیت عقل و فضیلت تعقل فرموده‌اند:

«خدا به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده، زیرا خوابیدن عاقل از شب بیداری جاهل بهتر است و در منزل بودن عاقل از حج و جهاد جاهل بهتر است و خدا پیغمبر و رسول را جز برای تکمیل عقل مبعوث نفرموده تا عقل افراد را کامل کنند و عقل همه‌ی پیغمبران برتر از تمام عقول امت می‌باشد و آنچه پیغمبر در خاطر دارد از اجتهاد مجتهدین بالاتر است و تا بنده‌ای واجبات را به عقل خود در نیابد آنها را انجام نداده است. همه‌ی عابدان در فضیلت عبادتشان به پای عاقل نرسند. عقلا همان صاحبان خردند که خداوند فرموده: «تنها صاحبان خرد اندرز می‌گیرند.»<sup>۱۸</sup>

مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در بیان دلایل بعثت انبیاء پس از ذکر بیداری فطرت انسان‌ها و یادآوری نعمت‌ها از برانگیختن عقول پنهان شده بشر سخن گفته و فرموده:

«خداوند پیامبرانی را پی در پی فرستاد تا عهد و پیمان خدا را که در فطرت آنها بود بطلبند و به نعمت فراموش شده یادآوری کنند و از راه تبلیغ با ایشان گفتگو کنند و عقل‌های آنها را برانگیزند و به کار اندازند و آیات قدرت را به ایشان نشان دهند.»<sup>۱۹</sup>

امام باقر علیه السلام ملاک کيفر و پاداش اعمال افراد را به میزان بهره‌گیری از قوه تعقل دانسته‌اند و فرموده‌اند: «چون خداوند عقل را آفرید از او بازپرسی کرده و به او گفت پیش آی: پیش آمد. گفت بازگرد و باز گشت. فرمود: به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی که پیشم محبوب‌تر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به‌طور کامل می‌دهم و همانا امر و نهی و کيفر و پاداشم متوجه توست.»<sup>۲۰</sup> از دید امام علی علیه السلام:

قوه تعقل، قوه‌ای است که ملاک سعادت و شقاوت انسان است و وجه تمییز انسان از حیوان و فرشته است.<sup>۲۱</sup> امام صادق علیه السلام عقل را وسیله پرستش خداوند و کسب بهشت و رضوان الهی دانسته‌اند<sup>۲۲</sup> و همچنین فرموده‌اند: عقل پایه و اساس شخصیت انسان تلقی می‌گردد و هوش و فهم و حافظه و دانش از عقل سرچشمه می‌گیرد، عقل، انسان را کامل می‌کند و رهنما و بیناکننده و کلید کار اوست و چون عقل به‌نور خدایی مؤید باشد، دانشمند و حافظ و متذکر و باهوش و فهمیده باشد و خیرخواه و بدخواه خود را بشناسد.<sup>۲۳</sup>

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

دوست هر انسانی عقل اوست و دشمن او جهلش می‌باشد<sup>۲۴</sup> از دیدگاه حضرات معصومین علیهم السلام دینداری و عبادت بدون عقل هیچ ارزشی ندارد و ملاک ارزشمندی اعتقادات دینی و عبادات

مذهبی تعقل، تفکر و اندیشه‌ورزی فرد مؤمن می‌باشد.

رسول‌الله ﷺ ادراک معقول و پرورش قوه تعقل را بر رنج در عبادت ترجیح می‌دادند و معتقد بودند رشد عقلایی و پرورش قوه تعقل سبب پیشی گرفتن افراد عاقل نسبت به دیگران می‌شود و به همین سبب پرورش این نعمت الهی یکی از اهداف تعلیم و تربیت قرآنی است.

## ❖ ۲ - پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت

از آنجا که انسان مخاطب قرآن حضرات معصومین علیهم‌السلام انسانی است که علاوه بر هویت فردی و شخصی دارای هویت و رسالت جمعی است و بخشی از شخصیت خویش را از طریق تعامل با سایر انسان‌ها و برادران و خواهران دینی خویش در جامعه کسب می‌کند، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت نسبت به خود و دیگران و تقویت روحیه‌ی دیگر خواهی یکی از اهداف تربیت قرآنی به حساب آمده و آن را راهی برای رسیدن به رشد و کمال منظور داشته است.

آیات متعدد قرآن کریم و روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام تأکید بر پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت در قبال دیگران دارد. در آیات و روایات به ملکات و فضائل اخلاقی همچون حیاء، حسن خلق، عفو، کظم غیظ، حلم، صبر، مدارا و سازگاری، نرمی و ملاطفت، تواضع، انصاف و عدالت، صلح و رحمت، اصلاح بین مردم و... که این موارد و دهها مورد دیگر بیانگر توجه قرآن و حضرات معصومین علیهم‌السلام به پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت در مؤمنان است. امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

«هیچ فرزندی متولد نمی‌شود مگر اینکه بر فطرت توحید است، بعداً والدین یا فضای جامعه او را یهودی، نصرانی یا مجوسی، می‌کند.»<sup>۲۵</sup>

رسول‌الله ﷺ در مورد ضرورت احساس مسئولیت فرد در مقابل جامعه اسلامی فرموده‌اند:

«هر که صبح کند و به امور مسلمین همت نکند مسلمان نیست) و فرموده‌اند: عابدترین مردم کسی است که نسبت به همه‌ی مردم جامعه اسلامی (مسلمین) خیرخواه‌تر و پاکدل‌تر باشد.»<sup>۲۶</sup>

این تلاش‌های تربیتی در ارتباط با تقویت روحیه جمعی و احساس مسئولیت و پرداختن به وضع مشکلات برادران دینی به‌عنوان عبادت و کسب رضایت خداوند و به منزله راهکار مؤثری برای رشد و کمال و سعادت انسان بوده است.

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

خدمت به خلق خدا و احساس تکلیف در مقابل رفع مشکلات آنها را در زمره بهترین اعمال دانسته

و جامعه اسلامی را به مثابه پیکره و یک بدن که افراد جامعه اعضای این بدن تلقی می‌گردند. منظور نموده به‌گونه‌ای که ناراحتی و رنج یکی از اعضاء موجبات اختلال و ناراحتی سایر اعضاء را فراهم می‌کند. ۲۷

حضرت رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند:

محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که سودش به مردم از دیگران بیشتر است. ۲۸  
امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

کمک به مستمندان و دستگیری از آنان و گذشت و اغماض از خطایای دیگران را از ویژگی‌های ضروری شیعیان دانسته‌اند. ۲۹  
این چنین ملکات اخلاقی در افراد راه رسیدن به کمال را هموار می‌سازد و همچنین دوام و استمرار حیات طیبه جامعه اسلامی را تضمین می‌نماید.

#### ❦ ۴ - ارتقاء کیفی قصد قربت و اصلاح (نیت خاص)

قرآن کریم می‌فرماید:

❦ قل کل یعمل علی شاکلته ❦

بگو هر کس طبق طریقه و نیت خویش عمل می‌کند. ۳۰

نیت و قصد قربت نقش کلیدی در پذیرش اعمال دارد زیرا ❦ لا عمل الا بنیة ❦ ۳۱ یعنی پاداش در مقابل خلوص نیت است. نیت عبارت است از رابطه عمل با روح، زیرا عمل ناشی از طلب روح است، نیت پاک، خود بالاتر از عمل صالح و بالاترین عمل است ❦ افضل العمل النیة الصادقة ❦ ۳۲  
نیت صالح موجب رشد و کمال و سعادت انسان می‌شود و نیت ناپسند سبب انحطاط و شقاوت او می‌گردد. نیت مهم‌تر از خود عمل است. چون نیت، روح را که حقیقت آدمی است تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که عمل تنها روی جسم و بدن اثر می‌گذارد و اساساً چیزی جز نیت نمی‌تواند سازنده حقیقت برتر انسان (یعنی روح او) باشد. ۳۳

در آیات قرآن کریم و روایات حضرات معصومین علیهم السلام بر ایجاد نیت و ارادی کردن افعال و ارتقاء سطح کیفی نیت و قصد قربت از روی علم و تصمیم آگاهانه تأکید شده و از انجام دادن امور و کارهای تکراری و عادت‌گونه که بدون تعمق و تأمل و قصد قربت باشد پرهیز داده شده‌ایم.  
در تربیت قرآنی هر کاری براساس نیت فاعل ارزشمند است و چون انسان موجودی هوشمند و جهت‌دار است و هیچ فعل و کاری از انسان بدون هدف و نیتی صادر و دنبال نمی‌شود. لذا توجه دادن



انسان مؤمن به اینکه برای ملکه کردن نیت حتی در اعمال کوچک مثل خوردن و خوابیدن قصد قربت کند تا بتواند در یک سیر تربیتی و با تمرینات اصلاحی و تهذیب نفس و حاکم شدن بر خود به ارتقاء کیفی سطح نیت دست یابد مهم تلقی شده است.

امام علی علیه السلام اعمال را نتیجه و محصول نیت دانسته فرموده‌اند:

### ❁ الاعمال ثمار النیات ❁ ۳۵

و امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

به دست آوردن پاداش و یا افتادن در جهنم و دوزخ و عذاب الهی وابسته به نیت فرد می‌باشد. ۳۶

همچنین امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

بنده مؤمن فقیر گوید، پروردگارا! به من مال و ثروت روزی کن تا از آن احسان کنم و در راه‌های خیر چنین و چنان کنم (مسجد بسازم، به گرسنگان و ضعفا اطعام دهم و از بینوایان دستگیری کنم و چون خدای عزّ و جلّ بداند نیتش صادق است و راست می‌گوید برای او همان اجر و پاداش را می‌نویسد که اگر انجام می‌داد، می‌نوشت، همانا خدا وسعت بخش و کریم است. ۳۷

انسان برای اعمال و رفتار خود انگیزه‌ها و نیت‌های مختلفی دارد و این دقیقاً همان چیزی است که توانایی و ظرفیت بالقوه انسان را در پیمودن درجات و ارزش‌بخشیدن به عمل بالا می‌برد و او را تا سرحد یک موجود بی‌نهایت متصف به اسماء و صفات الهی رشد می‌دهد و یا هر چه بیشتر در درکات پست فرو می‌برد و موجب تباهی ابدی می‌گردد.

در کلام ولی اعظم خدا و لسان غیبی آل الله، حضرت علی علیه السلام سیمای زیبای نیت نیکو این گونه تجلی یافته است. «تکوین نیت زیبایی درون‌هاست و بهترین اندوخته و علامت پاک زندگی و سبب رسیدن به آرزوها و دست‌یابی به اهداف و موجب پاداش اخروی و زیاد شدن روزی و باعث زندگی خوش و جلب دوستی دیگران و وسیله استجاب دعا در موقع خطر است». ۳۸

در سیره قرآنی رسول اعظم صلی الله علیه و آله و حضرات معصومین علیهم السلام که مربی و الگوی امت بوده و هستند همواره مردم را به داشتن نیت صالح ارشاد و مردم را به ارتقاء کیفی سطح نیت خود تشویق و ترغیب نموده و آن را موجب رشد و کمال و سعادت‌مندی انسان دانسته‌اند.

### ❁ ۵۵ - اصلاح و تهذیب نفس ❁

قرآن کریم می‌فرماید:

❁ قد افلح من زکیها ❁ و رستگار و سعادت‌مند شد کسی که خود را تهذیب و تزکیه نمود. ۳۹



آیات متعدد قرآن کریم و روایات حضرات معصومین علیهم السلام سفارش و تأکید فراوان بر اصلاح نفس و پرهیز از دنیاگرایی و معاصی و ترک شهوات و تمسک به تقوی و ورع داشته‌اند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اصلاح نفس و مبارزه با آفات اصلاح نفس را بزرگ‌ترین مبارزه برای مؤمن دانسته و از آن به‌عنوان (جهاد اکبر) یاد می‌کند و هدفمندی بعثت خویش را ظهور مکارم و ملکات اخلاقی و تربیتی در مردم قلمداد نموده‌اند.<sup>۴۰</sup>

اصلاح نفس، تزکیه و تهذیب نفس یکی از پایه‌های اساسی و مهم رشد و کمال انسان است. امام صادق علیه السلام مبارزه در راه اصلاح نفس را تلاش دائمی و پایان ناپذیر برای مؤمنان می‌داند که هیچ‌گاه تمام شدنی نیست و هر زمان که انسان فکر کند از شر نفس اماره خلاص شده در لبه‌ی پرتگاه سقوط قرار گرفته است<sup>۴۱</sup> و لذا باید همواره این مسئولیت را بر دوش خویش احساس بکند و به اصلاح نفس همت بگمارد ایشان فرموده‌اند: بندگان خدا بدانید که مؤمن شب و روز نسبت به خودش تردید دارد و همیشه خود را ناقص می‌داند و به دنبال تکمیل کردن خویش می‌رود و در حالی که می‌بیند مردم دنیا مرگ بدن را خیلی مهم تلقی می‌کنند آنها برای مرگ قلب‌ها بیشتر اهمیت قائل هستند. لذا افراد مؤمن باید همواره به فکر اصلاح و بهبود نفس خویش باشد و این یکی از اهداف نظام تربیتی اسلام است و باید از ابزارهای مختلف برای رسیدن به این هدف سود جوید.

امام علی علیه السلام بر نقش مربی و زمامدار جامعه در فضا سازی تربیتی تأکید نموده و ضرورت خودسازی و اصلاح نفس را به مربیان و مبلغان جامعه چنین گوشزد می‌فرماید:

«کسی که می‌خواهد خود را پیشوای مردم معرفی کند باید قبل از اینکه به تعلیم دیگران بپردازد خود را تعلیم دهد»

چنین فردی قبل از اینکه با زبان، مردم را تعلیم دهد، باید با اخلاق و روش خود آنان را هدایت کند کسی که خود را تعلیم دهد و تربیت کند از نظر احترام از مربی و تربیت کننده مردم سزاوارتر است.<sup>۴۲</sup>

## ✽ مبارزه با هواهای نفسانی

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ان النفس لامارة بالسوء الا مارحم ربی﴾<sup>۴۳</sup>

نفس اماره شما را به گناه زیاد و بزرگ امر می‌کند مگر خداوند رحم و لطف کند. پاک کردن درون از صفات زشت و ناپسند و رهایی از آنها یکی از اهداف والای تربیتی است.

نفس اماره و امیال نفسانی همواره یکی از موانع رسیدن انسان به کمال و رشد بوده است. لذا رهایی،

از اینها نیز در زمره اهداف تربیتی است.

پیامبر اعظم ﷺ فرموده‌اند:

(قدرتمند واقعی کسی است که بتواند بر این نیروهای درونی غالب شود).<sup>۴۴</sup>

مبارزه با امیال درونی کار ساده‌ای نیست بلکه قدرت ایمانی و تربیتی می‌خواهد تا انسان بر نفس سرکش و متجاوز خویش پیروز شود.

حضرت علی علیه السلام شرط رسیدن به رشد و کمال را رهایی نفس از شهوت‌ها و میل‌های نفسانی می‌داند و می‌فرماید: کسی که خواهش‌های نفس خویش را برنیاورد به رشد می‌رسد.<sup>۴۵</sup>

حضرت امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

هیچ فضیلتی به قدر جهاد، ارزش معنوی ندارد و هیچ جهادی مانند مبارزه در راه غلبه بر هوای نفس نیست.<sup>۴۶</sup>

## نتیجه‌گیری:

توجه به اهداف تعلیمی و تربیتی قرآن کریم از منظر حضرات معصومین علیهم السلام و بررسی اهداف غایی واسطی و آموزشی و نقش هر کدام در سعادت انسان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در نظام تربیت قرآنی، دست‌یابی به رشد و کمال، هدف غایی تلقی می‌شود و برای رسیدن به این هدف غایی تعدادی هدف واسطی همچون پرورش قوه تعقل و تفکر و اندیشه‌ورزی، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت در برابر مسائل اجتماعی و ارتقاء کیفی سطح نیت و تهذیب و تزکیه نفس و جهاد با هواهای نفسانی وجود دارد که با تحقق هر کدام از این اهداف آدمی گامی مؤثر به سوی هدف غایی برمی‌دارد و به رشد و کمال معنوی و قرب الهی نائل می‌شود. البته رشد و کمال جریانی پویا، مستمر و مداوم است و انسان در هر روز و هر لحظه باید به سیر صعودی و کمال خویش ادامه بدهد و انجام این مهم با شناخت نقاط قوت و ضعف و تقویت نقاط قوت و جبران ضعف از طریق ارزیابی‌های مکرر میسر می‌باشد.

## منابع و پی‌نوشت‌ها:

۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۵.
۲. مجموعه کوثر، کلمات قصار امام خمینی (ره)، صص ۴۳ و ۴۴.

۳. همان، ص ۱۸۳.
۴. همان، ص ۱۸۴.
۵. انتشارات امیرکبیر - ۶۲، در جستجوی راه از کلام امام - دفتر ۲۱، ص ۲۵۲.
۶. اربعین حدیث، حدیث ۱۵، ص ۲۳۷؛ صحیفه نور، ج ۱۴، صص ۱۱۳ و ۱۱۲.
۷. شریعتمداری - علی، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۰.
۸. حسینی - سیدعلی اکبر، سیری اجمالی در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۹. احمدی، سیداحمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، واحد انتشارات مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸.
۱۰. باقری - خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۱، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰.
۱۱. مجموعه مقالات کنگره، بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی (ره)، ص ۲۵.
۱۲. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۱۰.
۱۳. همان، آیه‌ی ۱۷.
۱۴. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۶.
۱۵. سوره جن، آیه‌ی ۱۴.
۱۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۵۳.
۱۷. فیض الاسلام، ۵۱، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۴۱.
۱۸. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۲.
۱۹. دشتی، ۷۹، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۳۸.
۲۰. نوری (محدث)، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۲.
۲۱. حر عاملی (شیخ) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۴.
۲۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۱.
۲۳. همان، ج ۱، ص ۲۱۵.
۲۴. همان، ج ۱، ص ۱۱.
۲۵. حر عاملی (شیخ) وسائل الشیعه، ج ۹۶، ص ۱۱.
۲۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۹۴.
۲۷. همان، ج ۲، ص ۱۶۶.
۲۸. همان، ج ۲، ص ۱۶۵.



پوشش کاغذی از مطالعات فرهنگی

۲۹. همان، ج ۲، ص ۱۷۳.
۳۰. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۴.
۳۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۷۰، ح ۹.
۳۲. نهج الفصاحه، ش ۴۱۱.
۳۳. سیدمحمدرضا مدرسی، فلسفه اخاق، صص ۳۳۳ و ۳۳۶ با تصرف.
۳۴. برقی، علی اکبر (درج گهر)، (سخنان حضرت محمد ﷺ)، ص ۱۳۶.
۳۵. تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، غررالحکم و درر الکلم، ص ۹۳.
۳۶. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵.
۳۷. همان، ج ۲، ص ۸۵.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه از حدیث شماره ۲۱۰۰۴ تا ۲۱۰۳۷.
۳۹. سوره‌ی شمس، آیه‌ی ۹۷.
۴۰. حر عاملی (شیخ)، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۳.
۴۱. زمانی، مصطفی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۴۲۶.
۴۲. همان، ص ۸۷۲.
۴۳. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۵۳.
۴۴. نوری (محدث)، میرزا حسین (مستدرک الوسائل)، ج ۱۱، ص ۱۳۹.
۴۵. حر عاملی (شیخ)، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۰.
۴۶. نوری (محدث)، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص

پروژه: گام دوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی